

جایگاه اشتغال زنان در حقوق ایران با تأکید بر قانون اساسی

ابوذر گلشنی^۱، سیدهاشم فرقانی^۲

چکیده

این مطالعه به بررسی جایگاه اشتغال زنان در حقوق ایران با تأکید بر قانون اساسی پرداخته است. روش مورد استفاده در این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی می‌باشد و برای جمع‌آوری اطلاعات از رویکرد اسنادی استفاده شده است. بحث این مطالعه نشان می‌دهد که در حقوق ایران حق اشتغال و حقوق زنان شاغل در قوانین و آئین‌نامه‌های مختلفی مورد اشاره قرار گرفته است که از جمله این قوانین می‌توان به قانون اساسی، قانون کار، قانون مدنی ایران و قانون خدمت نیمه‌وقت بانوان اشاره کرد. طبق ماده ۳۸ قانون کار مصوب ۱۳۶۹، مزد کارگر زن و کارگر مرد برای کار مساوی یکسان است. مقنن با تصویب این ماده با تأکید بر ارزش کار زن هر نوع تبعیض بر اوهام‌پرستی و خرافه‌سازی مانند احساساتی بودن زن، ناتوانی عقلی زن و ... را محکوم کرده است. براساس قانون اساسی ایران زنان از برخی از مشاغل سنگین که صرفاً مبتنی بر نیروی جسمی و فیزیکی است یا موجب مخاطرات جدی برای سلامتی می‌گردد قانوناً محروم گردیده‌اند.

واژگان کلیدی: قانون اساسی، حق اشتغال، تساوی جنسیتی، حق برخورداری از حقوق کار.

^۱ دانشجوی کارشناسی‌ارشد حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان

^۲ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان



مقدمه

متمركز هستند. پس از آن بخش صنعت و سپس کشاورزی بیشترین جمعیت جامعه را در خود جای داده است. نکته جالب، ناچیز بودن سهم زنان در زیربخش‌های بخش صنعت به جز تولیدات صنعتی است، بطوریکه حدود ۹۶ درصد از زنان شاغل در تولیدات صنعتی، در صنایع قالبی‌بافی و گلیم‌بافی فعال هستند. در زیربخش‌های خدمات نیز زنان عمدتاً در بخش خدمات اجتماعی در مشاغلی از قبیل معلم، مدرس، پزشک و پرستار فعالیت می‌کنند. این مطالعه به دنبال پاسخ به این سوال است که هدف اشتغال زنان در قانون اساسی و قوانین اشتغال چگونه بیان شده است و از چه رویکردهایی برخوردار است؟

بیکاری زنان و عوامل آن

بیکاری در ساده‌ترین مفهوم خود از رشد نسبتاً کند تقاضای نیروی کار بویژه در بخش صنعتی مدرن و کشاورزی سنتی و رشد عرضه نیروی کار که بویژه حاصل سطح بالای مهاجرت و رشد سریع جمعیت است ناشی می‌شود. بیکاری در کشورهای در حال توسعه بیشتر گریبانگیر جوانان، کسانی که برای نخستین بار جویای کار هستند، زنان و افراد نسبتاً تحصیل‌کرده‌تر است. طیف وسیعی از بیکاری در شهرها شکل گرفته است که جدا از کمبود فرصت‌های شغلی به توقعات فزاینده و بسیار بالای شغلی بویژه در میان جوانان تحصیل کرده مربوط می‌شود (عطایی‌سعیدی، ۱۳۸۴: ۲۳۲). اگر به بیکاری بعنوان یک پدیده عام نگاه شود عواملی مانند انگیزه‌ها، طرز تفکرات و موانع فرهنگی که ماهیتاً خود را در قبال دستیابی زنان به اشتغال نشان می‌دهند باید به عوامل بیکاری زنان

زن بعنوان عضو موثری از جامعه، می‌تواند نقش پیشگام خود را که در برخی از مسئولیت‌ها نمایانگر است، ایفا نماید. از جمله مسئولیت‌ها، ترویج مفهوم مشارکت و اشتغال در زندگی، زمینه‌سازی مناسب برای فعالیت آزادانه، شناساندن حق مدیریت اقتصادی، مالکیت و حضور در جامعه است. باتوجه به این نکته که مفهوم مشارکت زنان الزاماً مساوی با اشتغال زنان نیست، بخشی از مشارکت زنان در بحث اشتغال آنان جلوه می‌یابد. در این راستا، اداره خانواده از سوی زنان و نقش آنها در تغذیه و رشد فرزندان، همچنین تعلیم و تربیت آنان در کنار نقش همسری؛ فعالیت‌های والایی در جهت اهداف بزرگ اجتماعی محسوب شده و مطابق با طبیعت زندگی است. این نکته که تنها ۱/۹ درصد از جمعیت فعال ایران را در سال ۱۳۷۵ زنان تشکیل می‌دهد، نشان دهنده محدودیت‌هایی است که زنان در ایفای نقش خویش در توسعه جامعه با آن مواجه هستند. اما نکته مهمتر این است که حتی در همین میزان ناچیز اشتغال نیز، جایگاه زنان در ساختار اشتغال جامعه تبعیض‌آمیز است. آنچه لیندسی (Hantrais, 1994: 242)، درباره توزیع زنان در ساختار اشتغال در آمریکا و گیدنز درباره توزیع زنان در انگلستان مطرح می‌کنند، در مورد ایران نیز صادق است. زنان شاغل در مشاغلی که ظاهراً اختصاص به آنها دارد، مشغول به کار هستند. زنان در مقایسه با مردان، در مشاغلی با وجهه اجتماعی و درآمد کمتر به کار مشغول‌اند (مسنن مظفری، ۱۳۷۴). داده‌های سرشماری سال ۱۳۷۵ حاکی از آن است که زنان در ایران بیش از همه در بخش خدمات

افزوه شوند. در جائیکه اکثریت زنان شاغل نباشند و کیفیت و تنوع مشاغل موجود به هر دلیل دور از دسترس آنها قرار گرفته باشد، جستجوی کار نیز وجود نخواهد داشت و به همین سبب، به نظر می‌رسد ابعاد بیکاری زنان عمیق‌تر از آن است که با اعداد و ارقام بیان شود. از مهمترین عوامل بیکاری زنان در جامعه می‌توان به علل زیر اشاره نمود:

الف) عدم انطباق بازار و نیازهای آن با عرضه نیروی کار زنان بدون تخصص؛

ب) رکود و تعطیلی بسیاری از کارخانجات و موسسات بخش خصوصی؛

ج) وجود گرایش‌های منفی و بعضاً محدودیت‌هایی بر سر راه اشتغال زنان از سوی دولت‌ها و سیاستگذاران در سال‌های نخستین پس از انقلاب اسلامی؛

د) آسیب‌پذیری بیشتر زنان شاغل که با پدید آمدن دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... در معرض بیکاری قرار می‌گیرند؛

ه) تبعیت ساخت سنی بیکاران از روند روبه رشد جمعیت. که در نتیجه بالا رفتن میزان زادوولد در سال‌های گذشته و مهاجرت‌ها، هجوم خود را به بازار کار آشکار ساخته است (همان، ۲۳۳).

تاریخچه اشتغال زنان در ایران

کارکرد زنان در خارج خانه همانند پدیده‌های دیگر اجتماعی، از زمانی به زمان دیگر متحول می‌گردد و این تحول می‌تواند مورد بررسی توصیفی و تبیینی قرار گیرد. زن از زمان‌های قدیم تا به امروز غیر از خانه‌داری، در امور

مختلف کشاورزی، گله‌داری، صنایع دستی و حتی امور نظامی دوش‌به‌دوش مردان مشغول فعالیت بوده است ولی در دوره‌هایی که خانواده یک واحد اقتصادی به حساب می‌آمده است فعالیت‌های تولیدی زن که در خانه یا نزدیکی آن انجام می‌گرفته، جزء امور خانگی محسوب می‌شده است و زن در ازای آن کار، مزد دریافت نمی‌کرده است. با وقوع انقلاب صنعتی در اروپای غربی و تبدیل کارگاه‌های خانگی به کارخانه و تبدیل نیروی انسانی به نیروی ماشینی، تحولات اساسی در شکل و مفهوم کار به وجود آمد و فعالیت اقتصادی زن در مقابل دریافت مزد از خانه به کارخانه کشیده شد از آن زمان به بعد زنان با تحصیل علم در سطوح بالاتر، علاوه بر فعالیت‌های تولیدی در سایر زمینه‌ها مشغول به کار شدند. اینک وضعیت اشتغال زنان را در ایران در چهار دوره قبل از اسلام، از ظهور اسلام تا نیمه قرن دوازدهم (ه.ش). از نیمه دوم قرن دوازدهم تا قرن چهاردهم (ه.ش) و قرن چهاردهم (ه.ش) بطور خلاصه مورد بررسی قرار می‌دهیم. انتخاب این مقاطع تاریخی به دلیل تحول عمده‌ای بود که در وضعیت اشتغال زنان در هریک از این مقاطع تاریخی حاصل شده است (کیانمهر، ۱۳۷۸: ۱۸).

۱- اشتغال زن در ایران در دوره قبل از اسلام

از زمان پیدایش انسان بر روی زمین زن و مرد هر دو کار می‌کردند، فرهنگ‌شناسان تقسیم کار را برحسب سن و جنس در میان اقوام مختلف مورد توجه قرار داده‌اند. گروهی از مورخان این پدیده را چنین تحلیل می‌کنند: در پایان دوره کهن سنگی دیرین تقسیم کار میان زن و مرد به وجود آمد، مردان به شکار مشغول می‌شدند و زنان و



برای فعالیت زنان وجود داشت، و فعالیت‌های زنان به فرزند آوردن و انجام کارهای خانگی و گاهاً کشاورزی و نساجی محدود می‌شد و زنان در خارج از خانه مسئولیتی نداشتند (جزنی، ۱۳۸۰: ۱۳۴).

۴- قرن چهاردهم (ه ش)

یکی از بزرگترین وقایع تاریخ ایران، انقلاب مشروطیت بود که تحول عظیمی در شئون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران به وجود آورد. بعد از انقلاب مشروطیت، سید حسین خان عدالت اولین کسی بود که در دفاع از حقوق زنان در روزنامه عدالت مقالاتی نوشت. انجمن آزادی زنان، مدارس ناموس و ترقی، مجله‌های زنان آزادی‌خواه و همکاری مطبوعاتی زنان، شکل گرفت. در زمان پادشاهی رضاخان زنان توانستند به بسیاری از اهدافی که برای خود در نظر گرفته بودند، برسند که در رأس آن گسترش تحصیلات عمومی برای دختران بود. ولی آخرین سرشماری در رژیم پهلوی (۱۳۳۵ ه ش) نشان می‌دهد که درصد بسیار کمی از زنان نسبت به مردان به کار خارج از خانه اشتغال داشته‌اند (۳/۷ درصد زنان در مقابل ۸۶/۳ درصد مردان شاغل).

قوانین حمایتی از اشتغال زنان در قانون ایران

قوانین حمایتی از زنان در حوزه اشتغال به قانون کار بیشترین قرابت معنایی یافته است. و ماده ۷۵ و ماده ۷۷ بارزترین جلوه حمایت از زنان در اشتغال می‌باشد برای توضیح می‌توان بیان داشت که ماده ۷۵ قانون کار مقرر می‌دارد: انجام کارهای خطرناک، سخت و زیان‌آور و نیز حمل بار بیشتر از حد مجاز با دست و بدون استفاده از

کودکان به جمع‌آوری میوه‌ها و گیاهان می‌پردازند. کار کردن زن در مزرعه موجب شد تا در کشاورزی مهارت و تخصص پیدا کند و به جای گردآوری حبوبات، خود به کاشتن دانه بپردازد. مردان هم کوشش کردند تا ابزارهای کشاورزی از قبیل داس سنگی و کج بیل بسازند (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۷۱).

۲- از ظهور دین اسلام تا نیمه قرن دوازدهم (ه ش)

ظهور دین اسلام موجب تغییراتی در نظام اجتماعی زنان گردید. این دین امتیاز و ترجیح حقوقی برای مردان نسبت به زنان قائل نشده است بلکه اصل مساوات انسان‌ها را درباره زن و مرد رعایت کرده است. ولی انحرافات که بعداً در نظام اجتماعی مسلمانان روی داد موجب انزوای زنان و خنثی شدن تعالیم تساوی‌طلبانه اسلامی شد. نتیجه اینکه می‌توان گفت: در دوره‌های قبل و بعد از اسلام تا نیمه قرن دوازدهم در جامعه زن صرفاً در خانواده نقش اول را ایفا می‌کند و فعالیت‌های عمده‌تاً محدود به کارهای داخل خانه می‌شود و حتی نقش او در خارج از خانه در واقع ادامه و نقش او در داخل خانه می‌شود (سفیری، ۱۳۷۷: ۸۳).

۳- از نیمه قرن دوازدهم تا چهاردهم

این دوره مصادف با سلطنت ایل قاجار است. ساخت جامعه ایران در این دوره ساختی سنتی- مذهبی بود. هرچند موقعیت اقتصادی و اجتماعی زنان در سراسر ایران یکسان نبود و برحسب وضع محل، عرف و عادات، سنن مذهبی و محلی متفاوت بود. بطور کلی می‌توان گفت فضای اندک

و محروم ساختن او از این حق خلاف عدالت و خیانت به اجتماع نیز می‌باشد. بر این اساس به تصریح اصل ۲۱ قانون اساسی حق اشتغال برای هر مرد و زن و به تصریح منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در جمهوری اسلامی ایران مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی حق اشتغال زنان پس از رسیدن به سن قانونی کار، جزء حقوق برشمرده شده برای زنان می‌باشد (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۵۶).

اشتغال زنان در قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران با وضع قوانین در راستای تعالیم و احکام اسلامی و در جهت تأمین منافع خانواده، در بند ۹ اصل سوم قانون اساسی، با استناد به آیات و روایات مبنی بر تساوی زن و مرد در آفرینش و کرامت انسانی زن در رسیدن به مقامات عالی معنوی همانند مرد، دولت را موظف نموده همه امکانات خود را در رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه (اعم از زن و مرد)، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی بکار گیرد. علیرغم این تدابیر، در برخی قوانین موضوعه و جاری جمهوری اسلامی در زمینه‌های مختلف مقرراتی وجود دارد که مبین تفاوت‌هایی بین زن و مرد می‌باشد. عمده این مقررات مبنای شرعی و فقهی داشته و با عنوان حکم اسلامی، دیدگاه و بینش اسلامی را به چالش می‌کشد (رستمی‌تبریزی، ۱۳۹۰: ۵). بهترین میزان برای سنجش دیدگاه‌های اقتصادی، قوانین کارگری و نحوه و میزان حمایتی است که قانون از طبقه کارگر و مستخدم می‌نماید، چه ارزش انسان صرف‌نظر از نژاد، جنس، مذهب و ... در کار او و فایده‌ای که اجتماع از فعالیت‌اش می‌برد متجلی می‌گردد. بدیهی است در

وسایل مکانیکی برای کارگران زن ممنوع است. فلسفه این ممنوعیت را باید در حمایت از زنان و نیز کوشش برای بالا نگه‌داشتن بازده کار جستجو کرد نه محروم نمودن و ممنوع کردن زنان از برخی مشاغل، چه انجام کارهای سخت و زیان‌آور که با قوای جسمانی، کارگر ارتباط مستقیم دارد. برای زنان، هرچند که از لحاظ نیروی دماغی در سطحی مساوی با مردان هستند، چون از نظر نیروی جسمانی به هر حال ضعیف‌تر از آنان می‌باشند، مناسب نیست و بسیار اتفاق افتاده که احتیاج مادی یک زن او را وادار به انجام کاری نموده که جسماً برای وی نامناسب است و لذا از اینرو ماده ۷۵ قانون کار با ممنوعیت ارجاع کارهای خطرناک، سخت و زیان‌آور به زنان در واقع سعی کرده سدی در راه بهره‌برداری کارفرما از موقعیت بد اقتصادی کارگر ایجاد کند (پلویی، ۱۳۸۳: ۲۵). طبق ماده ۷۷ قانون کار، در مواردی که به تشخیص پزشک سازمان تأمین اجتماعی، نوع کار برای کارگر باردار خطرناک یا سخت تشخیص داده شود، کارفرما تا پایان دوره بارداری وی، بدون کسر دستمزد باید کار مناسب‌تر و سبک‌تری ارجاع نماید. مرخصی بارداری و زایمان کارگران زن جمعا ۹ ماه است پس از پایان مرخصی زایمان کارگر زن به کار سابق خود باز می‌گردد و این مدت با تأیید سازمان تأمین اجتماعی جزء سوابق خدمت وی محسوب می‌شود (همان، ۱۱).

حق اشتغال زنان

زن براساس حکمت الهی ذوق، فکر، فهم، هوش و استعداد کار دارد و مثمر‌تر بودن آن حکیمانه است. از آنجا که هر استعداد طبیعی دلیل یک حق طبیعی است، پس اشتغال زن حقی است که خدای متعال به آنان ارزانی داشته است



براساس آنچه گفته شد سیاست‌گذاری اشتغال زنان در موارد فوق مقید به قید «رعایت موازین اسلامی» عدم تنافی با مصالح عمومی و حقوق دیگران و همچنین تناسب‌سازی با ویژگی‌های زنان و درک موقعیت‌های زن بودن، همسری و مادری می‌باشد که موارد ذیل را می‌توان با توجه به هر کدام از قیود فوق لحاظ نمود:

۱- اشاره به لزوم پذیرش تفاوت‌های میان حقوق زن و مرد که در فقه اسلامی مطرح شده است؛ با چنین رویکردی زن و مرد در کلیت حقوق با هم برابرند و هیچگونه تبعیضی میان آنها وجود ندارد و مشاهده برخی از تفاوت‌های حقوقی میان زنان و مردان ناشی از تفاوت‌های جسمی و روحی زن و مرد بوده که آثار و تبعات خود را در حقوق و تکالیف برجای می‌گذارد و نادیده انگاشتن این تفاوت‌ها، ظلمی آشکار به هر دو جنس و به ویژه زنان خواهد بود.

۲- تناسب مشاغل زنان با ویژگی‌های زنان و درک موقعیت‌های زن بودن، همسری و مادری. بر این اساس از یکسو با توجه به سیاست‌گذاری اشتغال زنان در سیاست‌گذاری اجتماعی زمینه رفع مسائل و مشکلات زنان در حوزه اشتغال که می‌توان آن را از حیث ارتباط وثیقی که با سایر حوزه‌های اجتماعی دارد میان‌حوزه‌ای در نظر گرفت فراهم شود. این امر نیز زمینه استفاده حداکثری از ظرفیت زنان در پیشرفت جامعه را فراهم خواهد کرد (تاج‌مزینانی و یاسری، ۱۳۹۲: ۷۹).

تسهیل و تشویق اشتغال زنان در قانون اساسی

مبنای قانونگذاری و سیاست‌گذاری در هر کشور و نظام اجتماعی از جمله ایران قانون اساسی است؛ لذا سیاست-

سیستم‌هایی که بیشترین ارزش به سرمایه تعلق می‌گیرد. حمایت قانونی از کارگران و کارمندان بسیار اندک است. در رژیم‌هایی که کم و بیش طرفدار تبعیض نژاد یا جنسی هستند. طبقه خاصی از این حمایت بیشتر بهره‌مند می‌گردند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی وضعیت اشتغال زنان کاملاً معلوم شد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر اینکه بر انجام وظایف مادری برای زنان تأکید شده است، به استثنای اصل ۱۱۵ که طبق آن زن نمی‌تواند رئیس جمهور شود زن و مرد از نظر تحصیل علم و اشتغال به کار از حقوق اجتماعی یکسان برخوردارند. اصل ۲۰ موبد این نظر است که همه افراد اعم از زن و مرد بطور مساوی در حمایت قانون قرار دارند. اصل ۳، ۲۱، ۲۸ و ۴۳ این قانون نیز برخورداری زنان از حقوق اجتماعی برابر با مردان را نشان می‌دهد. در اصل ۲۸ قانون اساسی آمده است: «هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.» در اصل ۲۱ قانون اساسی نیز ضمن توجه به حقوق اجتماعی مشترک بین زن و مرد، توجه به ویژگی‌های زنان و درک موقعیت‌های زن بودن، همسری و مادری را در عرصه‌های سیاست‌گذاری و قانونگذاری ضروری برمی‌شمرد:

۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او؛

۲- حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی‌سرپرست و ...

اهمیت و ارزش ویژه‌ای قائل است و تربیت شایسته فرزند توسط مادر از عوامل اصلی تعالی اجتماع دانسته می‌شود. در ماده ۱ سیاست‌های اشتغال زنان مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی به این مهم اشاره، بر اهمیت تربیت نسل آینده تأکید و در ادامه خواستار در نظر گرفتن ارزش مادی و معنوی نقش زنان در خانواده شده است.

۱- حق اشتغال زنان

زن براساس حکمت الهی ذوق، فکر، فهم، هوش و استعداد کار دارد و مثمر‌تر بودن آن حکیمانه است. از آنجا که هر استعداد طبیعی دلیل یک حق طبیعی است، پس اشتغال زن حقی است که خدای متعال به آنان ارزانی داشته است و محروم ساختن او از این حق خلاف عدالت و خیانت به اجتماع نیز می‌باشد. بر این اساس به تصریح اصل ۲۱ قانون اساسی حق اشتغال برای هر مرد و زن و به تصریح منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در جمهوری اسلامی ایران مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی حق اشتغال زنان پس از رسیدن به سن قانونی کار، جزء حقوق برشمرده شده برای زنان می‌باشد (همان، ۱۷).

۲- حق برخورداری از مشاوره شغلی توسط بانوان

ارائه مشاوره شغلی یکی از مقولات موثر در افزایش اشتغال می‌باشد. برخورداری زنان از مشاوره شغلی توسط زنان در عین جلوگیری از اختلاط غیرضرور زنان با مردان، سبب دریافت مشاوره‌هایی مفیدتر و کارآمدتر نیز خواهد شد. چرا که مشاوران زن، درک صحیح‌تر و مطابق با واقع‌تری از شرایط هم-جنسان خود دارند؛ لذا مشاوره بهتر و آگاهانه-تری براساس درک و فهم صحیح‌تر از وضع موجود درخواست کننده خود ارائه خواهند داد. این مهم از جمله

گذاری اجتماعی ملزم به رعایت مفاد آن در سیاست‌ها و قوانین در همه حوزه‌ها خواهد بود. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز دولت موظف به زمینه‌سازی و فراهم نمودن فرصت‌های دستیابی به مشاغل برای زنان و مردان بطور یکسان با رعایت موازین اسلامی و باتوجه به نیازهای جامعه به مشاغل گوناگون می‌باشد. در اصل ۲۸ قانون اساسی آمده است: «هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.» بنابراین توجه داشتن سیاست‌ها و قوانین مصوب به ویژگی-های جسمی، روحی و روانی زنان و همچنین تعادل میان نقش-ها و مسئولیت اجتماعی با نقش‌ها و مسئولیت‌های خانوادگی زنان در عرصه‌های مختلف سیاست‌گذاری گام مهمی در این زمینه می‌باشد.

اشتغال همراه با رشد معنوی، علمی و حرفه‌ای زن

شغلی که زنان و مردان بر می‌گزینند باید فرصت و توان کافی را برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی آنها فراهم آورد و نیز به افزایش مهارت و ابتکار آنها کمک و مدد رساند (قانون اساسی، اصل ۳، تبصره ۱۴). ماده ۴ سیاست‌های اشتغال زنان مصوب بیست مرداد ۱۳۷۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز بر این مهم بعنوان یکی از شرایط محیط کار اجتماعی بانوان تأکید نموده و فراهم آوردن شرایط کار زنان را منوط به حفظ دیانت، شخصیت، منزلت و سلامتی فکری و روحی و جسمی زنان می‌داند (زیبایی‌نژاد، پیشین: ۷۸). این مقوله برای نقش مادری



اعطای تسهیلات اشتغال به زنان سرپرست خانوار

بند ۲ اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دولت را موظف می‌کند تا شرایط و امکانات کار برای همه افراد، به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر تأمین نماید، که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد. سیاست-گذاری اشتغال زنان در جمهوری اسلامی، به این اصل در راستای گسترش اشتغال زنان از طریق ارائه تسهیلات به زنان بیکار سرپرست خانوار توجه می‌کند. لذا ماده ۵۶ قانون برنامه سوم توسعه نظام‌های بانکی کشور را موظف به پرداخت تسهیلات به اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی به منظور ایجاد فرصت‌های جدید شغلی می‌نماید. همچنین در بخش اقتصاد سیاست‌های پیشگیری و بازتوانی زنان از آسیب‌های اجتماعی (مصوب ۱۳۸۲/۰۲/۲۰)، تبصره ۱۰ ماده واحده برنامه دوم توسعه کشور و همچنین تبصره ۱۱ ماده واحده مذکور به نحوی به این مقوله پرداخته و به ارائه تسهیلات خوداشتغالی به زنان اشاره شده است. همچنین در ماده ۵۶ برنامه سوم توسعه برای دریافت تسهیلات خوداشتغالی زنان سرپرست خانوار و بدسرپرست نسبت به سایر افراد اولی‌تر شناخته شده‌اند (تاج‌مزینانی و یاسری، پیشین: ۵۴).

حقوق برشمرده شده در ماده ۱۰۳ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در جمهوری اسلامی ایران است.

۳- ایجاد فرصت اشتغال در خانه برای مادران

اگرچه در شریعت اسلام زنان در مقابل هزینه‌ها، مخارج زندگی و تأمین معاش خود و خانواده وظیفه و مسئولیتی بر دوش ندارند اما اسلام بعنوان کامل‌ترین و مترقی‌ترین دین آسمانی، در مقابل اشتغال زنان موضع مخالفی نداشته و با تأکید بر استقلال اقتصادی و تحصیل درآمد از سوی زنان بر سایر مکاتب پیشی گرفته است؛ بنحویکه اسلام به زنان این حق را می‌دهد که علاوه بر نقش‌های خانوادگی، همسری و مادری به نقش‌های اجتماعی و فعالیت‌های اقتصادی بپردازند و پایه‌های مردان کار کنند. در حالیکه عده‌ای بر این باورند که زنان برای خانه و خانه‌داری آفریده شده‌اند اما قوانین متعددی بر اشتغال زنان صحنه گذاشته و حق کار زنان را به رسمیت شناخته است. ایجاد فرصت اشتغال در خانه برای مادران جهت استفاده از ظرفیت زنان به صورت حداکثری و ایجاد تناسب میان نقش‌های خانوادگی آنها با کار بوده و بعنوان یکی از مصادیق اشتغال خانگی و گسترش آن مورد توجه برخی از نهادهای سیاست‌گذار قرار می‌گیرد. ماده ۱۲ سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران، این مهم را اینطور مطرح می‌نماید: «فرصت‌های شغلی مناسب برای مادران خانه‌دار در محیط خانه و در کنار فرزندان، بدون محدودیت وقت و با منظور کردن مزد در قبال کار و تسهیلات تعاونی ایجاد شود.»

تأمین اجتماعی زنان شاغل

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۲۹ آن، مقوله تأمین اجتماعی را با عباراتی چون برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکار افتادگی، بی-سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره توضیح می‌دهد و آن را حقی همگانی می‌داند که دولت موظف به تأمین آنها برای یک یک افراد کشور می‌باشد بیمه درمانی زنان شاغل به معنای حمایت اجتماعی از زنان شاغل در زمان بیماری با ارائه خدمات بهداشتی، درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه می‌باشد. می‌توان «قانون بازنشستگی پیش از موعد بیمه شدگان تأمین اجتماعی» در خصوص زنان را شاهدی بر این مقوله دانست (همان، ۵۶).

حمایت از خانواده و ایفای نقش‌های جنسیتی زنان

انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از تعالیم نورانی اسلام، جایگاه و نقشی والا و مهم برای زنان در نظر گرفته است. در جمهوری اسلامی ایران، زنان از یک‌طرف توانمندی‌های خودشان را در عرصه‌های مختلف اجتماع به اثبات می‌رسانند و از طرف دیگر از فضای خانه و تربیت فرزند و نقش‌های همسری و مادری خود نیز فاصله نمی‌گیرند. این مقوله به سیاست‌ها و قوانینی اطلاق می‌شود که زنان را در جهت هماهنگی بیشتر میان مسئولیت‌ها و نقش‌های خانوادگی و اجتماعی‌شان یاری می‌رساند.

هماهنگی میان ساختار شغلی با نقش‌های خانوادگی

زن

باتوجه به اینکه خانواده جایگاه رفیعی در دیدگاه اسلام دارد، انعطاف‌پذیر بودن ضوابط و قوانین مربوط به مشاغل نسبت به تغییر وضعیت زنان و یا لحاظ نقش‌های خانوادگی آنها در تعهدات شغلی‌شان از جمله مواردی است که جزء ابزارهای حمایتی نسبت به زنان شاغل محسوب می‌شود. لایحه قانونی معافیت زنان متأهل پزشک، دندانپزشک و داروساز برای گرفتن پروانه دائم خدمت خارج از تهران (مصوب ۱۳۵۹/۰۴/۲۵) و قانون اعطای مرخصی بدون حقوق به مستخدمین رسمی یا ثابت که همسر آنان به مأموریت ثابت خارج از کشور اعزام می‌شوند (مصوب ۱۳۶۶/۰۹/۰۱) با لحاظ شرط تأهل و نقش‌های خانوادگی آنها، به این مهم اشاره می‌کند. در ماده ۷ سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران نیز نهادهای قانونگذار، مسئول ارائه تسهیلات لازم به زنان جهت ایفای نقش‌های خانوادگی آنان شدند تا زنان از فعالیت‌های اجتماعی و اشتغال به واسطه تعارض با انجام نقش‌های خانوادگی خویش باز نمانند (حیدری، ۱۳۸۴: ۱۲).

فرصت‌ها، موانع مشارکت سیاسی - اجتماعی

زنان ایران

یکی از مهمترین سوالاتی که در مباحث توسعه مطرح می‌گردد، این است که جایگاه انسان در فرآیند توسعه چیست؟ امروزه، اساساً توسعه عبارت است از تلاش انسان در دگرگونی محیط برای رفع نیازهای خود در جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی. اما آنچه در اینجا مورد بحث بوده، توسعه سیاسی - اجتماعی است. یکی از مهمترین راه‌های دستیابی به این توسعه، مشارکت



همسایه در این زمینه پیشی گرفته‌اند. مسئله آن است که به رغم این دگرگونی، زنان ایرانی هنوز نقش مطابق با تحولات فوق را در ساختارهای اقتصادی و سیاسی جامعه برعهده نگرفته‌اند. آنها در بسیاری از عرصه‌های مهم و تأثیرگذار جامعه غایب بوده‌اند و جایگاه‌شان در صحنه تصمیم‌گیری‌های سیاسی و مدیریتی، محدود به عرصه‌های کم‌تأثیر و خنثی بوده است.

زندگی زنان را شرایطی رقم می‌زند که بستر آن واقعیات عینی است و از حالت انتزاعی و مباحث ذهنی کمتر نصیب برده است. بنابراین نادیده انگاشتن مسائل مورد توجه زنان و حواله دادن آنها به اخلاقیات قلمرو خانگی، بنیانی است که بسیاری از زنان گزینه‌های سیاسی خود را بر آن استوار می‌کنند. از جمله این مسائل: مسئله حقوق و دستمزد پایین، درخواست برای ایجاد مهد کودک در محل‌های کار، برنامه‌های تفریحی برای کودکان در زمان تعطیلی مدارس، تقلیل ساعت اداری زنان و ... که در بسیاری از موارد، رفتار و کنش سیاسی زنان را در انتخابات، به سوی احزاب و کاندیداهایی سوق می‌دهد که نسبت به این مباحث موضع‌گیری شفاف داشته باشند. علاوه بر این، ساختار جامعه ایران، نیز نقش عمده‌ای در میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان دارد. نفوذ قدرت قابل‌ملاحظه پدر، شوهر، برادر و فرزند ذکور خانواده، و در کل مردان، در ساختار سنتی جامعه روستایی به ۸۰ درصد بالغ می‌شود. درحالی‌که این نسبت در شهرها به حدود ۶۲ درصد می‌رسد با این وجود، سهم زنان در تصمیم‌گیری در سطح خانواده، به موازات بالا رفتن سن، سطح سواد و درآمد روبه فزونی می‌گذارد.

سیاسی زنان در سطوح کلان جامعه است. این امر، در گروهی برقراری روابط و مناسبات اجتماعی مطلوب و عادلانه امکانپذیر است. هرچه جامعه از روابط اجتماعی انسانی‌تر و عادلانه‌تر برخوردار باشد، مشارکت و همیاری افراد بیشتر و بهتر می‌گردد. در واقع مشارکت معلول ساختارها و کارکرد روابط اجتماعی و نحوه توزیع امکانات و منابع، نحوه تقسیم کار و مسئولیت‌ها در جامعه است. باتوجه به مباحث فوق، یکی از اهداف مهم توسعه، نفی نابرابری‌های طبقاتی، قومی، جنسی و انسانی است. امروزه، از میان برداشتن نابرابری‌های موجود میان مردان و زنان و به رسمیت شناختن جایگاه زنان در مباحث توسعه، به بحثی اساسی در میان کشورها تبدیل شده است. زنان باوجود برعهده داشتن نقش‌های متعدد خانوادگی، همسراری، تربیت فرزندان و خانه‌داری، ضروری است که در جامعه حضوری فعال و موثر داشته باشند. آنها از این رهگذر می‌توانند نقش مهمی در فرآیند توسعه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه ایفا کنند (رضوی‌الهام، ۱۳۸۸: ۳۵).

زنان در جامعه ایران، در چند دهه گذشته تحولات چشمگیری را تجربه کرده‌اند. توده زنان ایرانی، که غالباً در حاشیه مناسبات اجتماعی و سیاسی قرار داشته‌اند و نقش آنها در عرصه‌های اقتصادی نیز چندان قابل‌توجه نبوده است، با افزایش سطح سواد و آگاهی و گسترش آموزش عالی به ارتقاء توانمندی‌های خود دست زده‌اند. براساس آمارها، زنان ایرانی، از نظر سطح سواد و دانش - آموختگی در حد شاخص‌های جهانی توسعه انسانی قرار دارند و به‌ویژه از بسیاری از زنان منطقه و کشورهای

علاوه بر موانع فرهنگی، نقش پایگاه و طبقه اجتماعی زنان در میزان مشارکت سیاسی آنان، غیرقابل انکار است. زنان قشر متوسط، نسبت به دیگر طبقات اجتماعی، غالباً حضور فعال‌تری در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی از خود نشان می‌دهند، زیرا زنان متعلق به این طبقه، بیشترین تحولات را در سال‌های اخیر تجربه کرده‌اند. این امر بیشتر بدان دلیل اهمیت دارد که حجم وسیعی از جمعیت زنان، متعلق به طبقه متوسط هستند. این طبقه در سال‌های اخیر، بیشترین تحولات را در حوزه تحصیلات عالی، فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پشت سر نهاده‌اند. زنانی که در سطح پایین‌تر اجتماعی و اقتصادی قرار دارند، احتمال کمتری وجود دارد که به سازمان یا حزبی وابسته باشند. هرچه پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد کاهش می‌یابد، نسبت عضویت آنها در سازمان‌ها کاهش می‌یابد. پایگاه اجتماعی افراد، علاوه بر تأثیر مستقیم بر مشارکت سیاسی و اجتماعی، از طریق ایجاد بی‌انگیزگی سیاسی نیز بطور غیرمستقیم، بر میزان مشارکت افراد موثر است. به عبارت دیگر، می‌توان چنین گفت که حاشیه‌نشینی اقتصادی، منجر به حاشیه‌نشینی سیاسی و اجتماعی نیز می‌شود. فقر، زنان را از بطن جامعه طرد می‌کند و آنان را خواه ناخواه به حاشیه می‌کشاند. میزان بالای بی‌سوادی، وضع نامساعد بهداشتی، سوء تغذیه و ... که دامنگیر زنان فقیر جامعه است، عواملی موثر در کاهش فرآیندهای مشارکتی آنان است (جمشیدی، ۱۳۸۴: ۷۴).

بطور کلی، عوامل زیر می‌توانند تأثیری مستقیم بر فرصت مشارکت زنان داشته باشند:

الف) زنان برای پاداش‌های حاصله از مشارکت، ارزش بالایی قائل باشند؛

ب) مکانیزم مشارکت را در قیاس با مکانیزم‌های دیگر، موثر بدانند؛

ج) نسبت به دستیابی به نتایج مطلوب، اطمینان لازم را داشته باشند؛

د) برای مشارکت، از دانش، آگاهی و مهارت لازم برخوردار باشند؛

ه) در ورود به مشارکت و در جریان آن، خود را مواجه با مشکلات و موانع زیاد احساس نکنند؛

دستیابی به نتایج مطلوب در پیگیری خواسته‌ها و انتظاراتی که طبقات مختلف زنان دارند، از اهمیت بسیار زیادی در پیوستن آنها به فرآیندهای مشارکت‌آمیز برخوردار است. هرچند نمی‌توان مرزبندی مشخصی میان خواسته‌هایی که زنان طبقات بالا، متوسط و پایین دارند، ترسیم نموده، با این حال، نیازها و دغدغه‌هایی که زنان در هریک از پایگاه‌های اجتماعی و اقتصادی با آن روبرو هستند، تا حدی متفاوت از دیگری است (همان، ۷۵).

مشارکت بیشتر در ساختار قدرت از جمله زمینه‌های مورد علاقه زنان بوده است. در سال‌های اخیر زنان بیشتری تمایل خود را به مشارکت در امور کشور ابراز کرده‌اند. برای مثال، مشارکت در فرآیندهای قانونگذاری و سیاست‌گذاری زنان، این علاقه‌مندی را از طریق اعلام نامزدی برای مجلس شورای اسلامی و شوراهای شهر و روستا ابراز داشته‌اند. هرچند این روند، طی این سال‌ها، سیر صعودی داشته است، اما هنوز فاصله زیادی میان آنچه هست و آنچه باید باشد، وجود دارد. ایران از مقیاس مشارکت زنان در عرصه‌های تصمیم‌گیری وضع مساعدی



خواهند ماند و کشور از توانمندی‌های نیمی از سرمایه‌های انسانی خود بی‌بهره می‌ماند. با این وجود، با بررسی روند تحولات در چند دهه اخیر به این نکته می‌رسیم که میزان مشارکت زنان بیش از آنکه برخاسته از موانع قانونی، اجتماعی و ... باشد، ناشی از اعمال سلیقه‌های فردی بوده است و بیش از هر چیز آنچه نیازمند اصلاح است، تغییر برخی نگرش‌های نادرست در زمینه لزوم مشارکت دادن زنان در روندهای سیاسی است. می‌توان موانع موجود در مسیر مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان را به شرح زیر تقسیم‌بندی کرد:

(الف) تهدید و تحقیر شخصیت انسانی که نسبت به زنان اعمال می‌شود، باعث شده است تا زنان جامعه ما نسبت به قوا و توانایی‌های خود ناباور شوند و از این رهگذر ضربه‌های روحی و جسمی جبران‌ناپذیری بر آنان وارد آید.

(ب) وجود تضادهای فکری و اعتقادی بین عینیت‌های جامعه و حقایق آرمانی و مطلوب سبب شده است تا هدفمندی زندگی و معنا و مفهوم آن برای زنان در هاله‌ای از ابهام و تردید فرو رود.

(ج) عدم تساوی یا عدالت جنسیتی براساس باورهای تعصب‌آمیز علیه زنان در زمینه‌های آموزش، بهداشت، اعتبار، اشتغال، حقوق فردی، اجتماعی، شهروندی و ... و نهادینه شدن تبعیض علیه زنان از دیگر مشکلات موجود در ارتباط با جامعه زنان است. مشارکت اجتماعی زنان گاه با مسئله اشتغال زنان یکسان تلقی می‌شود. در این راستا باید به این واقعیت تلخ معترف بود که هرچند زنان بعنوان کارگر و کارمند در موسسات دولتی و

ندارد. این مقیاس به نسبت دسترسی زنان به قدرت اشاره دارد و شامل چنین مواردی است:

(الف) نسبت درصد زنان حاضر در کابینه‌ها، نمایندگی‌های دیپلماتیک و ...؛

(ب) نسبت درصد کرسی‌های مجلس که در اختیار زنان قرار دارد؛

(ج) نسبت درصد زنان مدیر در مجموعه مدیران کشور؛

(د) نسبت درصد زنان متخصص و حرفه‌ای در مجموعه شاغلان کشور؛

(ه) نسبت درصد سهم زنان از درآمد تحقق یافته در این حوزه‌ها.

البته موانع قانونی اندک است. در حقیقت، قانون اساسی کشور، صریحاً بر لزوم مشارکت دادن زنان در سرنوشت کشور، همپای مردان، تأکید دارد. با این حال، در سال‌های اخیر، با تأکیدی که بر نقش‌های غیراجتماعی زنان صورت گرفته است، بسیاری از مسئولان از قرار دادن زنان در مناصب مدیریتی امتناع ورزیده‌اند. مشارکت، اساس مردم‌سالاری است و لازمه آن دسترسی مناسب به منابع است. یکی از این منابع، برخورداری از مهارت و دانش مناسب همپایه مردان است. یکی از مسائلی که همواره برای عدم مسئولیت دادن به زنان عنوان می‌شود، فقدان تجربه و مهارت است. این موضوع، تا حد زیادی به این دلیل است که به زنان فرصت تجربه کردن در نقش یک وزیر یا مدیر ارشد داده نشده است. تا زمانیکه این اصل مهم از سوی مقامات نادیده گرفته می‌شود و اجازه تجربه‌اندوزی و کسب مهارت به زنان در دستور کار قرار نمی‌گیرد، زنان در صحنه مشارکت سیاسی از مردان عقب

ویژگی‌ها و توانایی‌های روحی-جسمی زنان در نوع شغل و شرایط بهداشتی و رفاهی محیط کار آنها اشاره می‌کند؛ لذا توجه به ممنوعیت کار کردن به صورت اجباری برای زنان و یا محول نکردن کارهای سخت به زنان از موارد این تناسب به شمار می‌رود.

سیاست‌های حمایت از غیرشاغلان زن (زنان خانه-دار)

خانه‌دار فردی است که شاغل، بیکار و محصل به حساب نمی‌آید. کار خانگی به آشپزی، نظافت منزل و ... گفته می‌شود که اگر این خدمات به شخصی در خارج از گروه خانواده واگذار شود، دستمزد پرداخت می‌گردد. این فعالیت‌ها «کار» نامیده می‌شود.

بیمه زنان خانه‌دار

بیمه زنان خانه‌دار بعنوان بخشی از تأمین اقتصادی زنان خانه‌دار از حیث ارج نهادن به کاری است که آنها در خانه انجام می‌دهند بارها بیان شده بوده و این مهم از سوی مقام معظم رهبری در نشست سوم راهبردی زن و خانواده نیز تأکید شد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰).

ارزشمند شمردن کار خانگی زنان

سهم کار خانگی زنان در اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته بین ۲۵ تا ۴۰ درصد تخمین زده شده است. با وجود این کار زنان در منزل و وظایف خانه‌داری که نوعی تولید خدمت است، هنوز در تولید ملی کشورها وارد نشده است (چنگیزی، ۱۳۷۶: ۴۱).

در فصل سوم منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان، در نظر گرفتن ارزش کار خانگی زنان از جمله حقوق آنان برشمرده

غیردولتی کار می‌کنند، ولی در کارهای گروهی و جمعی به اندیشه و شناخت مدیریتی و قدرت خردورزی آنها، چندان بهایی داده نمی‌شود.

اشتغال نیمه وقت بانوان

بند ۳ اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار آنچنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد، را ضروری می‌نماید. در راستای توجه به این امر در اشتغال زنان طرح‌ریزی اشتغال نیمه‌وقت که برای زنان زمینه پرداخت به سایر ابعاد و نقش‌های زندگی را فراهم می‌سازد، اهمیت می‌یابد.

در قانون استخدام کشوری ذیل ماده واحده قانون خدمت نیمه‌وقت بانوان (مصوب ۱۳۶۲/۰۹/۱۰) و ماده ۸۰ آئین‌نامه نحوه تشکیل و اداره آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای آزاد بر اشتغال نیمه‌وقت برای نیروهای دائم و قراردادی تصریح شده است.

تناسب شرایط محیط شغلی و شغل با ویژگی‌های زنان

قانون اساسی تصریح می‌کند دولت زمینه مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را پدید می‌آورد؛ لذا ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور به منظور تصدی زنان در مشاغل مناسب با وضعیت جسمی آنها انکارناپذیر است (زاهدی، ۱۳۸۱: ۱۸). این مقوله به اهمیت توجه و لحاظ



سیاسی نیز بطور غیرمستقیم، بر میزان مشارکت افراد موثر است. به عبارت دیگر، می‌توان چنین گفت که حاشیه‌نشینی اقتصادی، منجر به حاشیه‌نشینی سیاسی و اجتماعی نیز می‌شود. فقر، زنان را از بطن جامعه طرد می‌کند و آنان را خواه‌ناخواه به حاشیه می‌کشاند. میزان بالای بی‌سوادی، وضع نامساعد بهداشتی، سوء تغذیه و ... که دامنگیر زنان فقیر جامعه است، عواملی موثر در کاهش فرآیندهای مشارکتی آنان است (جمشیدی، پیشین: ۱۲).

نتیجه‌گیری

اصول قانون اساسی و حقوق ایران به موضوع اشتغال زنان پرداخته است این مفهوم در این پژوهش دنبال شده و می‌توان بیان داشت که بند دوم و چهارم اصل ۴۳ قانون اساسی نیز بر تأمین شرایط و امکانات کار، برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند و همچنین رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار تأکید کرده است. در قوانین موضوعی جمهوری اسلامی ایران نیز به مسأله اشتغال زنان اشاره شده است بنحویکه ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی ایران به زوج حق داده، از اشتغال زوجه در شرایطی جلوگیری کند و لذا از مفهوم این ماده بر می‌آید که قانونگذار حق اشتغال را برای زن (زوجه) قائل شده است. فارغ از قوانین مذکور در قوانین دیگری نیز حق اشتغال و حقوق زنان شاغل مورد اشاره قرار گرفته است که از جمله این قوانین می‌توان به قانون خدمت نیمه‌وقت بانوان مصوب ۱۳۶۲، ماده ۳۲ قانون ارتش جمهوری

به‌رغم این دگرگونی، زنان ایرانی هنوز نقش مطابق با تحولات فوق را در ساختارهای اقتصادی و سیاسی جامعه برعهده نگرفته‌اند. آنها در بسیاری از عرصه‌های مهم و تأثیرگذار جامعه غایب بوده‌اند و جایگاه‌شان در صحنه تصمیم‌گیری‌های سیاسی و مدیریتی، محدود به عرصه‌های کم‌تأثیر و خنثی بوده است. زندگی زنان را شرایطی رقم می‌زند که بستر آن واقعیات عینی است و از حالت انتزاعی و مباحث ذهنی کمتر نصیب برده است. بنابراین نادیده انگاشتن مسائل مورد توجه زنان و حواله دادن آنها به اخلاقیات قلمرو خانگی، بنیانی است که بسیاری از زنان گزینه‌های سیاسی خود را بر آن استوار می‌کنند.

علاوه بر موانع فرهنگی، نقش پایگاه و طبقه اجتماعی زنان در میزان مشارکت سیاسی آنان، غیرقابل انکار است. زنان قشر متوسط، نسبت به دیگر طبقات اجتماعی، غالباً حضور فعال‌تری در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی از خود نشان می‌دهند، زیرا زنان متعلق به این طبقه، بیشترین تحولات را در سال‌های اخیر تجربه کرده‌اند. این امر بیشتر بدان دلیل اهمیت دارد که حجم وسیعی از جمعیت زنان، متعلق به طبقه متوسط هستند. این طبقه در سال‌های اخیر، بیشترین تحولات را در حوزه تحصیلات عالی، فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پشت سر نهاده‌اند. زنانی که در سطح پایین‌تر اجتماعی و اقتصادی قرار دارند، احتمال کمتری وجود دارد که به سازمان یا حزبی وابسته باشند. هرچه پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد کاهش می‌یابد، نسبت عضویت آنها در سازمان‌ها کاهش می‌یابد. پایگاه اجتماعی افراد، علاوه بر تأثیر مستقیم بر مشارکت سیاسی و اجتماعی، از طریق ایجاد بی‌انگیزه‌گی

- ۱۰- زاهدی، فضل‌الله. (۱۳۸۱). بررسی تطبیقی شرایط کار زنان، تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- ۱۱- زیبایی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۸)، عوامل، پیامدها و رویکردهای اشتغال زنان از نگاه مدیریت اجتماعی، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- ۱۲- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: انتشارات سروش.
- ۱۳- سفیری، خدیجه (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی اشتغال زنان، تهران: مؤسسه انتشاراتی تیبان.
- ۱۴- عطایی‌سعیدی، حامد (۱۳۸۴)، «توسعه، جمعیت و زنان ایران با تأکید بر مفاهیم اشتغال و بیکاری»، *مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی*، ش ۲۱.
- ۱۵- کیانمهر، محمدولی (۱۳۷۸)، «تأثیر اشتغال زن بر خانواده (بررسی مشکلات زنان شاغل و متأهل در خانواده)»، *مجله کار و جامعه*، ش ۳۲.
- ۱۶- مسنن‌مظفری، پروین (۱۳۷۴)، زن در توسعه یا فرآیند موثرسازی، در زن، علم، صنعت و توسعه، تهران: دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری.

لاتین:

1- Hantrais, Linda (1994). "Comparing Family Policy in Britain, France, And Germany", *Journal of Social Policy* 23.

اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶، ماده ۲۰ قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و ماده ۲۰ قانون مقررات استخدامی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴ اشاره کرد. اما در این بین قانون کار جمهوری اسلامی ایران صراحتاً به حقوق زنان کارگر اشاره کرده است بگونه‌ای که در مواد ۷۵ تا ۷۸ ضمن اشاره به اشتغال زنان، در ممنوعیت بکارگیری زنان در مشاغل سخت و زیان‌آور، مرخصی دوران بارداری و زایمان مقرراتی ذکر کرده است.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- بیانات مقام معظم رهبری در نشست راهبردی زنان و خانواده (۱۳۹۰).
- ۲- پلویی، رقیه (۱۳۸۳)، «مطالعه تطبیقی حقوق زن در مسائل خانوادگی بین قوانین ایران و فرانسه»، *دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکزی تهران*، دانشکده الهیات.
- ۳- تاج‌مزینانی، علی‌اکبر و یاسری، زینب (۱۳۹۲)، «بررسی سیاست‌گذاری اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۱۵، ۵۹.
- ۴- حیدری، احمد (۱۳۸۴)، «زن و خانواده در قوانین جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه پیام زن*، ش ۲.
- ۵- جزینی، نسرين (۱۳۸۰)، *نگرشی بر تحلیل جنسیتی در ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۶- جمشیدی، ایوب (۱۳۸۴)، «مدیران زنان در جامعه ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ش ۲۴.
- ۷- چنگیزی، فرنگیس (۱۳۷۶)، «احتساب سهم زنان در تولید»، *سازمان آمار ایران*.
- ۸- رستمی‌تبریزی، لمیا (۱۳۹۰)، «رژیم مالی خانواده در قوانین ایران و انگلیس»، *فصلنامه مطالعات زنان*.
- ۹- رضوی‌الهام، بهزاد (۱۳۸۸)، «تحلیل جایگاه مشارکت زنان در فرآیند توسعه سیاسی - اجتماعی انقلاب اسلامی ایران»، *مجله کتاب ماه علوم اجتماعی*، ش ۲۱.